

به بهانه‌ی عرض تسلیت به  
دکتر عباسعلی مقصدلو استرآبادی  
**سوگ سیاوش**  
به یاد نواده‌ی حیدرقلی‌خان هژبرنظام



محمود اخوان مهدوی\*

خاندان مقصدلو، از بدو حضور در ایالت استرآباد، برای این ایالت برکات عدیده‌ای داشته و دارند؛ ایجاد امنیت، ترویج تفکرات آزادی‌خواهانه و رواج دانش، از بارزترین برکات حضور آنان در ایالت استرآباد بوده و هست.

مقصودلوی استرآبادی؛ یعنی مرد شمشیر و قلم، سرداران دلیر و دانشمندان کبیر، سردارانی چون میرزا محمدخان شهید و عبدالصمدخان سرتیپ، دانشمندانی چون شیخ نصراله و شیخ مرتضی! شاعرانی چون میرزا ابراهیم و آقاعلی‌خان و...

مقصودلو؛ یعنی ده‌ها، که نه! صدها نام از مشاهیر استرآباد و گرگان، شیخ حسین مقصدلو نماینده‌ی مجلس، مؤسس نخستین مدرسه ملی استرآباد و رهبر آزادی‌خواهان، مهدی مقصدلو رئیس اوقاف کاشان، یحیی قره‌داغی رئیس آموزش و پرورش گرگان و زنجان، معاون سپاه دانش ایران، شهردار مس سرچشمه کرمان و ده‌ها دکتر و پزشک که گرگان و ایران به آنان سرفراز است.

«دودمان سرداران و عالمان تمام؛ هم‌چون حیدرقلی‌خان هژبرنظام».

روزها و ماه‌ها و سال‌ها گذشت و این دودمان خوش‌تر درخشید، گرگان و گلستان و ایران و جهان به این دودمان بالید.

روزگاری گذشت و محمدخان، پسر حیدرقلی‌خان هژبرنظام را فرزندی پدید آمد به نام «عباسعلی»، خان‌زاده بود، اما خان نبود...

با قرآن، مأنوس در گوشه‌ی تنهایی خویش!

با مثنوی، چله نشست!

از هفت‌خوان زندگی سربلند بیرون آمد

و پایه‌پای پهلوانان شاهنامه، با اهرمنان و خرفستران پیکار کرد.

از چشمه عرفان نوشید و از جام ادب لبریز شد!

هم‌نام و هم‌مسلك علمدار میدان کربلا،

هم‌گام با رستم دستان،

شاهنامه دیگری آفرید

\*گروه مشاهیر

دانشنامه گلستان

«اَبَر بی گنه‌شان، به تیر، اشتباه  
 بکشتند و بر دل نهادند آه»  
 همانا که خونش هدر نخواهد رفت و از آن  
 هزاران گیاه دارویی خواهد رُست!  
 «به‌ساعت، گیاهی از آن خون برُست  
 جُز ایزد نداند که آن چون برُست  
 گیا را دهم من کنونت نشان  
 که خوانی همی پَرِ اسیاوشان  
 بسی فایده خلق را هست از اوی  
 که هست آن گیا اصلش از خونِ اوی»  
 سیاوشِ تو، سیاوشِ ما، سیاوشِ زخم‌ها!  
 سیاوشِ گرگان، سیاوشِ ایران، سیاوشِ  
 درمان!  
 که زین پس، دل از فراغش خون است و  
 چشم اشک‌ریز!  
 سیاوش رفت و یک جهان لاله‌واژگون ساخت!  
 «چو سروِ سیاوش نگون‌سار دید  
 سراپرده دشت خون‌سار دید  
 بیفکند سر را ز انده نگون  
 بشد زان سپس لاله‌ی واژگون»

برزو.....  
 بیژن.....  
**سیاوش**.....  
 سهراب.....  
 و اما سیاوش،  
 به چه خونِ جگری سیاوش شد!  
 سوار بر باره‌ی شبرنگ،  
 بی‌خستگی، جهانِ علم را درنوردید  
 و فروتنانه در زادگاه خود فرود آمد  
 و چون کیخسرو بر سریر پادشاهی تکیه زد!  
 «سیاوش چنان شد که اندر جهان  
 همانند او کس نبود از مَهان»  
 سیاوشِ به‌سیرشت، سیاوشِ خوش‌سیما!  
 «هر آن‌کس که از دور ببیند وِرا  
 شود بیهوش و برگزیند وِرا»  
 سیاوشِ پاک، سیاوشِ بی‌گناه!  
 چونان پری، آزاده و رها!  
 خدایش به گیتی دو مه داده بود!  
 فرودش پریا، فرنگیس‌اش آزاده بود!



**توضیح:** دکتر سیاوش مقصدلو استرآبادی،  
 فرزند دکتر عباسعلی، رئیس مرکز بهداشت گرگان  
 و معاون اسبق بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی  
 استان گلستان، دکترای پزشکی خود را از دانشگاه  
 علوم پزشکی ایران و دوره‌ی پس‌دکتری خود را  
 در دانشگاه «مک‌مستر» کانادا سپری کرد. در روز  
 چهارشنبه ۱۸ دی‌ماه ۱۳۹۸ در حالی که سوار بر  
 هواپیمای بوئینگ ۷۳۷ به مقصد کی‌یف بود، در  
 ساعت ۱۸:۱۶ در حوالی صباشهر استان تهران، به همراه همسرش «آزاده کاوه» و دختر نازنینش  
 «پریان» بر اثر سانحه هوایی به شهادت رسید. روحشان شاد و یادشان گرامی باد.